



بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و فرهنگ بر مدیریت سود در شرکت‌های با جریان‌های نقدی آزاد مازاد و فرصت رشد اندک (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

فرزانه یوسفی اصل^۱

عاطفه یاریجانی^۲

چکیده

سود یکی از اقلام صورت‌های مالی است که مورد توجه ذینفعان مختلفی است؛ در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری در حوزه مدیریت سود و ابعاد آن انجام شده و مباحث رفتاری در کانون توجه قرار گرفته است؛ یکی از ابعاد مدنظر، شناسایی رابطه بین ابعاد فرهنگی و مدیریت سود است. لذا این پژوهش به بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی و کیفیت حسابرسی بر تصمیمات مدیران در رابطه با اقلام تعهدی حسابداری پرداخته و این موضوع را در شرکت‌هایی بررسی کرده است که دارای جریان‌های نقدی آزاد مازاد و فرصت رشد اندک هستند. نمونه آماری شامل ۷۳ شرکت فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال ۱۳۹۷ می‌باشد، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی خطی چند متغیره با داده‌های مقطعی بهره گرفته شده است. نتایج ناشی از آزمون فرضیه‌ها حاکی از این است که مدیران شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم، مدیریت سود را انتخاب ننموده و بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد، علاوه بر این نتایج نشان داد که امتیاز شاخص اجتناب از عدم اطمینان شرکت‌ها، رابطه بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود را در شرکت‌هایی با رشد اندک تعدیل نمی‌کند و بین کیفیت حسابرسی و کاهش فعالیت‌های مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد و علاوه بر آن حساب‌رسان دارای کیفیت بالا سبب تعدیل ارتباط بین جریان وجوه نقد آزاد در شرکت‌های کم رشد و مدیریت سود نمی‌گردند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، مدیریت سود، جریان وجوه نقد آزاد، فرهنگ سازمانی

^۱ استادیار، حسابداری، دانشکده مدیریت و مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) f.yousefi@khatam.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. yarijani.atefeh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

مقدمه

گزارش‌های مالی، ستانده سیستم حسابداری محسوب می‌شوند که از اهداف عمده آن‌ها، فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد شرکت است. سود گزارش شده از اقلام صورت‌های مالی است که برای این منظور مورد توجه قرار می‌گیرد. مدیریت به دنبال حداکثرسازی منافع خود بوده و در این راستا، ارقام و روش‌های حسابداری را به نحوی دستکاری و انتخاب می‌نماید که سود را با ثبات و دارای رشد گزارش کند تا بدین ترتیب امنیت شغلی و پاداش خود را افزایش دهد؛ به علاوه مدیریت به واسطه این اعمال، به دنبال کاهش تأثیر هرگونه ریسک و عدم اطمینان محیطی بر شرکت است. از آنجا که این موضوع جنبه رفتاری دارد؛ لذا نمی‌تواند؛ متأثر از متغیرهای فرهنگی و رفتاری نباشد؛ بدین ترتیب انتظار می‌رود؛ بین موضوع مدیریت سود و عناصر فرهنگی رابطه‌ای معنادار وجود داشته باشد (رویایی، رهنمای رودپشتی، عبدلی؛ ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری در حوزه مدیریت سود و ابعاد آن در کشور انجام شده (به طور مثال مشایخی و حسین‌پور، ۱۳۹۵؛ فرقاندوست حقیقی، هاشمی، فروغی دهکردی، ۱۳۹۳؛ مشکی و نوردیده، ۱۳۹۱ و ...) اما یکی از ابعادی که تاکنون از نگاه‌ها پنهان مانده است؛ بحث شناسایی رابطه بین ابعاد فرهنگی و مدیریت سود است. برخی مطالعات از جمله گوان، پورجالالی، سنگوپتا و ترویا^۱ (۲۰۰۵)، هان، کانگ و سالتور و یو^۲ (۲۰۱۰) و گری، کانگ، لین و تانگ^۳ (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که ابعاد فرهنگی هر کشور و سازمانی می‌تواند؛ درخصوص رفتار مدیریت سود مدیران توضیحاتی ارائه کند. همچنین بال، کوتاری و رابین^۴ (۲۰۰۰)، فن و وانگ^۵ (۲۰۰۲)، آستامی و تاور^۶ (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که شیوه حسابداری و انتخاب مدیران درخصوص سیاست‌های حسابداری تحت تأثیر فرهنگ ملی، سازمانی و ارزش‌های اجتماعی است. از سوی دیگر، پژوهشگرانی مانند چن، چن، لوبو و وانگ^۷ (۲۰۱۱) معتقدند؛ حسابرسی با کیفیت، محدودیت‌هایی را در انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و آزادی عمل در فرآیند گزارشگری مالی ایجاد کرده و باعث کاهش ریسک اطلاعاتی می‌شود. حسابرسی‌های انجام شده توسط حسابرسان مستقل سبب اعتباربخشی به اطلاعات شرکت‌ها شده و باعث ایجاد اطمینان منطقی برای ذینفعانی می‌شود که از این اطلاعات

¹ Guan, Pourjalali, Sengupta and Teruya

² Han, Kang, Salter & Yoo

³ Gray., Kang, Lin and Tang

⁴ Ball, Kothari and Robin

⁵ Fan and Wong

⁶ Astami and Tower

⁷ Chen., Chen., Lobo and Wang

استفاده می‌کنند (سیکا^۱، ۲۰۰۸). واتز و زیمرمن^۲ (۱۹۸۸) و دی آنجلو^۳ (۱۹۸۱) اظهار داشتند که کیفیت حسابرسی تحت تأثیر ارتباط گزارش حسابرسان در بررسی روابط قراردادی و گزارش موارد نقض قرارداد است؛ در این راستا پژوهشگرانی مانند لین و وانگ^۴ (۲۰۱۰) استدلال نمودند؛ حسابرسان با کیفیت‌تر، به احتمال بیشتری رویه‌های مدیریت سود را کشف خواهند نمود (آستامی، راسمین، هارتادی و ایوانز^۵، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش راسمین^۶ (۲۰۱۰) نشان داد که مدیریت سود در شرکت‌هایی که از خدمات چهار مؤسسه بزرگی حسابرسی استفاده می‌کنند؛ در مقایسه با شرکت‌هایی که از خدمات این مؤسسات استفاده نمی‌کنند؛ کمتر است. هوکه، احمد و ون زیل^۷ (۲۰۱۵) عنوان نمودند؛ شرکت‌هایی که از کیفیت سود بیشتری برخوردارند؛ از حسابرسان با کیفیت بالاتری استفاده کرده‌اند. دیمیتریس، کیریاکو و آیتزیدیس^۸ (۲۰۱۵) دریافتند؛ شرکت‌های درمانده مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان بزرگ، اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند. بکر، دفوند، جیامبالو و سوبرامانیام^۹ (۱۹۹۸) نشان دادند؛ حسابرسی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و گروه‌های ذینفع شرکت در خارج از شرکت می‌شود. آستامی، راسمین، هارتادی و ایوانز (۲۰۱۷) عنوان می‌کنند که مدیران شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد مازاد به دلیل مسائل نمایندگی، تصمیماتی می‌گیرند که در اغلب موارد به نفع سهامداران نیست و از اختیارات حسابداری برای افزایش سود گزارش شده استفاده می‌کنند. تحقیقات قبلی از جمله چانگ، فرث و کیم^{۱۰} (۲۰۰۵) در مورد ارتباط بین جریان‌های نقدی آزاد مازاد و مدیریت سود معمولاً جنبه فرهنگی را شامل نمی‌شود؛ بنابراین در این پژوهش به پیروی از آستامی، راسمین، هارتادی و ایوانز (۲۰۱۷)، رابطه بین جریان نقدی مازاد و مدیریت سود روشن شده و موجب توسعه در ادبیات به چند دلیل خواهد شد؛ ادبیات حسابداری، مبانی تئوریک (گری؛ ۱۹۸۸) و شواهد اندکی (فن و وانگ، ۲۰۰۲؛ آستامی و تاور، ۲۰۰۶) در مورد رابطه بین انتخاب رویه‌های حسابداری و فرهنگ سازمانی ارائه می‌کند (آستامی، راسمین، هارتادی و ایوانز، ۲۰۱۷). همچنین

¹ Sikka

² Watts & Zimmerman

³ DeAngelo

⁴ Lin & Hwang

⁵ Astami, Rusmin, Hartadi & Evans

⁶ Rusmin

⁷ Houqe, Ahmed & van Zijl

⁸ Dimitras, Kyriakou & Iatridis

⁹ Becker, DeFond, Jiambalvo & Subramanyam

¹⁰ Chung, Firth & Kim

گری، کانگ، لین و تانگ (۲۰۱۵) معتقدند؛ ابعاد مختلف فرهنگ ملی می‌تواند؛ بر رویه‌های انتخابی مدیران مؤثر باشد؛ در این پژوهش، اثر فرهنگ سازمانی بر انتخاب رویه‌های حسابداری به‌منظور مدیریت سود در شرکت‌هایی که دارای جریان نقدی مازاد و فرصت‌های رشد اندک هستند؛ بررسی خواهد شد. همچنین در این پژوهش اثر حسابرسی با کیفیت در وجود مدیریت سود فرصت‌طلبانه در شرکت‌هایی که مستعد هستند؛ مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پس این پژوهش در کل موجب توسعه بخشی از ادبیات خواهد شد که به علل و عوامل مؤثر بر مدیریت سود در شرکت‌های دارای وجوه نقد مازاد و فرصت رشد اندک می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

بر مبنای نتایج پژوهش لطیفی و جهان‌شاد (۱۳۹۸) کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد؛ در حالی که، مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی کاهش و در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد.

نتایج پژوهش فتاحی نافچی و فاضل دهکردی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود روند کاهشی دارد و استقلال حسابررس و اندازه مؤسسه حسابرسی در مقایسه با دیگر مؤلفه‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، تأثیرگذارتر و دارای ارتباط منفی و معناداری به ترتیب با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشند.

ستایش و صیادی (۱۳۹۶) نشان دادند؛ که استفاده از مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا و با شهرت و تغییر حسابررس، تعارض مربوط به هزینه نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد را کاهش می‌دهد و به عبارتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از جریان‌های نقد آزاد مازاد با شدت بیشتر می‌شود که در نتیجه افزایش کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت را به دنبال دارد.

یافته‌های مرفوع و حسن‌زاده (۱۳۹۶) حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین مدیریت سود و درماندگی مالی می‌باشد. همچنین بین نسبت بدهی (که متغیری برای اندازه‌گیری مکانیزم‌های نظارتی است) و مدیریت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد. از طرف دیگر بین هر دو پروکسی رفتارهای فرصت‌طلبانه (جریان نقد آزاد و نسبت سودآوری) و مدیریت سود رابطه معنادار یافت شد.

حبیبی کیا و متقی (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی بر رابطه بین جریان نقدی آزاد مازاد و مدیریت سود تأثیر ندارد.

نتایج پژوهش محمدی گهرویی (۱۳۹۴) نشان داد؛ بین مازاد جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد؛ بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد؛ بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش مازاد جریان‌های نقدی آزاد رابطه معنی‌داری وجود ندارد. احمد و الیاس^۱ (۲۰۱۹) معتقدند؛ اگر سهامداران قادر به دریافت اطلاعات دقیق باشند، توانایی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری براساس اطلاعات مالی با کیفیت بالا افزایش خواهد یافت. یاسر و سلیمان^۲ (۲۰۱۸) نشان دادند؛ مدت تصدی حسابرسان دارای رابطه مثبت و معنادار با مدیریت سود است، در حالی که سایر مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌داری با مدیریت سود ندارند. آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که مدیران شرکت‌هایی با جریان نقدی آزاد مازاد، تصمیمات سرمایه‌گذاری اتخاذ خواهند کرد که همیشه به بهترین نحو به نفع سهامداران نیست و از اختیارات حسابداری برای افزایش سود گزارش شده استفاده می‌کنند. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که این شرکت‌ها دارای مسائل نمایندگی قابل ملاحظه‌ای بوده و نقش حسابرسان مستقل در محیطی که تفاوت‌های فرهنگی در کشورهای مختلف غالب است؛ حائز اهمیت است.

روش‌شناسی

فرضیه‌های پژوهش

جریان نقد آزاد مازاد به سرمایه‌گذاری اضافی منجر می‌شود (ریچاردسون^۳، ۲۰۰۶؛ وی و ژانگ^۴، ۲۰۰۸). هزینه نمایندگی جریان نقدی آزاد زمانی به وجود می‌آید که جریان‌های نقدی اضافی در پروژه‌هایی با ارزش خالص فعلی منفی سرمایه‌گذاری می‌شوند (جنسن^۵، ۱۹۸۶). بر مبنای تئوری نمایندگی، شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد کم به سرمایه‌گذاری جریان نقدی آزاد در پروژه‌هایی با سودآوری کم یا بدون سود تمایل دارند. چانگ، فرث و کیم (۲۰۰۵) استفاده مدیران از تکنیک‌های حسابداری و شیوه‌های

¹ Ahmad & Ilyas

² Yasser & Soliman

³ Richardson

⁴ Wei & Zhang

⁵ Jensen

مدیریت سود را هنگام مواجهه با پول نقد آزاد و اضافی بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که مدیران هیچ تعهدی ندارند که منطق پشتوانه تصمیمات سرمایه‌گذاری یا امکان‌سنجی سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خود افشا کنند.

چالاک و محمدنژاد (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای ارتباط مستقیمی بین اقلام تعهدی اختیاری و جریان‌های نقدی آزاد شرکت‌های ایرانی یافتند. با توجه به مبانی نظری عنوان شده، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه ۱: بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرنلی و گری^۱ (۲۰۱۵) عنوان کرده‌اند که فرهنگ ملی اثر قابل توجهی بر انتخاب معیارهای حسابداری شرکت دارد. هافتسلد (۱۹۸۳) چهار بُعد ارزش‌های فرهنگی را معرفی می‌کند که از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؛ فردگرایی، فاصله قدرت، اجتناب از عدم اطمینان و مردگرایی. گوان، پورجلالی، سنگوپتا و ترویا (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که بُعد فرهنگی اجتناب از عدم اطمینان، به صورت منفی بر میزان مدیریت سود تأثیرگذار بوده است. دوپنیک^۲ (۲۰۰۸) معتقد است؛ عوامل فرهنگی در توضیح تغییرات در شیوه‌های مدیریت سود در سراسر کشورها مهم هستند و ابعاد عدم اطمینان فرهنگی به شدت با شیوه مدیریت سود در ارتباط می‌باشند. زمانی که یک کشور از خطر اجتناب کرده و با تأکید بر فناوری و زیرساخت‌های دیگر، مانند ساختمان‌ها، قوانین و مقررات و مذهب، ایجاد امنیت می‌کند؛ از لحاظ شاخص اجتناب از عدم اطمینان، عالی و برتر در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر، جامعه‌ای با شاخص اجتناب از عدم اطمینان ضعیف، فضای آرام‌تری را حفظ خواهد کرد که در آن شیوه بیشتر از اصول ارزشمند است و در نتیجه انحراف راحت‌تر تحمل می‌شود (آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز، ۲۰۱۷). بنابراین فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۲: بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مشکلات نمایندگی مربوط به مازاد جریان نقدی آزاد می‌تواند؛ محرکی برای انتخاب استراتژی‌های حداکثرسازی سود توسط مدیران باشد. اهمیت پذیرش استراتژی حداکثرسازی سود در شرکت‌های کم رشد و با جریان نقدی آزاد بالا تحت تاثیر شاخص اجتناب از عدم اطمینان قرار می‌گیرد. بطوری که شرکت‌های با شاخص اجتناب از عدم اطمینان بالاتر نسبت به بقیه شرکت‌ها، سطح پایین‌تری از

¹ Fearnley & Gray

² Dounnik

استراتژی‌های حداکثرسازی سود را بکار می‌برند. این استدلال هم‌راستا با مطالعات پیشین ازجمله هافستلد و باند^۱ (۱۹۸۸) است که بیان می‌کند؛ اجتناب از عدم اطمینان می‌تواند؛ با اندازه‌گیری محافظه‌کارانه‌تر سود مرتبط باشد (آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز، ۲۰۱۷). لذا فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۳: شاخص اجتناب از عدم اطمینان بر رابطه بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود، اثر منفی دارد.

مسائل نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌تواند؛ از طریق انعقاد قراردادی که تحت تأثیر اعداد حسابداری است؛ کاهش یابد. خدمات حسابرسی با کیفیت بالا نیز به اعتبار کیفیت فرآیند قرارداد می‌افزایند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). کیفیت حسابرسان، در حوزه نظارت خارجی است و این عامل به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) اظهار می‌کند که کیفیت حسابرسان تحت تأثیر رابطه گزارش حسابرسان در بررسی روابط قراردادی و گزارش‌دهی درخصوص نقض قرارداد قرار دارد (آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز، ۲۰۱۷). بکر، دفوند، جیامبالو و سوبرامانیام (۱۹۹۸) استدلال می‌کنند که به احتمال زیاد، حسابرسانی با کیفیت بالا، شیوه مدیریت سود را تشخیص می‌دهند. راسمین (۲۰۱۰) نیز شواهدی می‌یابد که میزان مدیریت سود در بین شرکت‌هایی که از حسابرسان باکیفیت استفاده می‌کنند؛ نسبت به شرکت‌هایی که از خدمات حسابرسان سایر شرکت‌ها استفاده می‌کنند؛ به طور قابل توجهی پایین‌تر است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۴: بین کیفیت حسابرسی و سطح مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

جریان نقدی آزاد بالا، ممکن است؛ فرصتی برای مدیران به منظور مدیریت سود و خلق مسأله نمایندگی، فراهم نماید. جریان نقدی آزاد، مازاد جریان نقدی است که به منظور تأمین مالی هر پروژه‌ای که ارزش فعلی مثبتی داشته باشد؛ به راحتی در دسترس است. مسأله نمایندگی زمانی اتفاق می‌افتد که جریان نقدی آزاد در یک شرکت، به شیوه نادرستی سرمایه‌گذاری یا هزینه گردد؛ به صورتی که در آن، مدیران حداکثرسازی ثروت سهامداران را نادیده بگیرند (جنسن، ۱۹۸۶). به بیان دیگر، مدیران این اختیار را دارند که در پروژه سودده یا پروژه‌ای با بازده پایین سرمایه‌گذاری نمایند. اگر مدیران، تصمیم به سرمایه‌گذاری در پروژه‌ای غیرسودده یا با بازده پایین، بگیرند؛ شرکت در موقعیتی قرار می‌گیرد که رشد آن، پایین می‌آید. اهداف مدیریت سود به سه دسته تقسیم می‌شود که

¹ Hofstede and Bond

عبارت‌اند از: کاهش هزینه‌های سیاسی، کاهش هزینه تأمین مالی و حداکثرسازی ثروت و منافع مدیریت. بنابراین، مدیریت سود اعمال شده بوسیله مدیران، باید حداقل یکی از آن اهداف را برطرف نماید؛ اما وجود نظارت مؤثر، کارا و نظام‌مند بوسیله حساب‌رسان مستقل باکیفیت، سهام‌داران نهادی، اعتباردهندگان، اعضای هیأت مدیره و کمیته حسابرسی می‌تواند؛ مدیریت سود شرکت‌هایی که دارای وجه نقد آزاد و فرصت‌های سودآور کمی هستند؛ را محدود نماید (آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز، ۲۰۱۷). در نهایت فرضیه پنجم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۵: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود، اثر منفی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که پیش از سال ۱۳۹۷ پذیرفته شده باشند و دفتر مرکزی آن‌ها در تهران باشد؛ حجم نمونه با استفاده از رابطه کوکران ۷۳ شرکت تخمین زده شد؛ ۱۰۰ پرسشنامه بین مدیران عامل و مدیران مالی تمامی شرکت‌هایی که دارای دفتر مرکزی در تهران بودند؛ توزیع شد و ۷۳ پرسشنامه‌ای که پاسخ‌های کامل و غیرمخدوش داشتند؛ برای انجام آزمون‌های آماری انتخاب گردید.

مدل پژوهش

مدل مورد بررسی در تحقیق حاضر برگرفته از پژوهش آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) به صورت رابطه (۱) می‌باشد و برای آزمون تمامی فرضیات از این مدل استفاده خواهد شد:

رابطه (۱)

$$DAC_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 FCFLG_{jt} + \alpha_2 UnAvoid_{jt} + \alpha_3 AuditQuality_{jt} + \alpha_4 FCFLG * UnAvoid_{jt} + \alpha_5 FCFLG * AuditQuality_{jt} + \alpha_6 FSize_{jt} + \alpha_7 AbsTAC_{jt} + \alpha_8 Leverage_{jt} + \alpha_9 RCFO_{jt} + \varepsilon_i$$

نگاره شماره ۱: تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری

نام متغیر	عنوان اختصاری	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
اقدام تعهدی اختیاری	DAC	وابسته	اقدام تعهدی اختیاری شرکت ز برای سال t می‌باشد. TAC به اقدام تعهدی غیراختیاری (NAC) و اقدام تعهدی اختیاری (DAC) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) تجزیه می‌شود: مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۱) در ابتدا اقدام تعهدی شرکت از رابطه ذیل برآورد خواهد شد: $TAC_{jt} = (\Delta CA_{jt} - \Delta Cash_{jt}) - (\Delta CL_{jt} - \Delta LTD_{jt} - \Delta ITP_{jt}) - DPA_{jt}$ TAC_{jt}: مجموع اقدام تعهدی شرکت ز برای سال t. ΔCA_{jt}: تغییرات دارایی‌های جاری شرکت ز برای سال t و $t-1$. $\Delta Cash_{jt}$: تغییرات نقد شرکت ز برای سال t و $t-1$. ΔCL_{jt}: تغییرات بدهی‌های جاری شرکت ز برای سال t و $t-1$. ΔLTD_{jt}: تغییرات بدهی‌های بلندمدت شرکت ز برای سال t و $t-1$. ΔITP_{jt}: تغییرات مالیات بر درآمد پرداختنی شرکت ز برای سال t و $t-1$. DPA_{jt}: هزینه استهلاک شرکت ز برای سال t. سپس مدل ذیل تخمین زده شده و اقدام تعهدی غیراختیاری (NAC) از تخمین مدل ذیل بر مبنای مقادیر ثابت (α) به‌دست می‌آید؛ در حالیکه اقدام تعهدی اختیاری (DAC) مقدار باقیمانده مدل می‌باشد (TAC منهای NAC). $TAC_{jt}/TA_{j,t-1} = \alpha_{jt}[1/TA_{j,t-1}] + \beta_{jt}[(\Delta REV_{jt} - \Delta REC_{jt})/TA_{j,t-1}] + \beta_{jt}[PPE_{jt}/TA_{j,t-1}] + \varepsilon_{jt}$ $TA_{j,t-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت ز برای سال $t-1$. ΔREV_{jt}: تغییرات فروش خالص شرکت ز برای سال t و $t-1$. ΔREC_{jt}: تغییرات حساب‌های دریافتنی شرکت ز برای سال t و $t-1$. PPE_{jt}: مجموع دارایی‌های ثابت ε_{jt}: خطای مدل؛ اقدام تعهدی غیراختیاری
جریان وجوه نقد نسبی	RCFO	مستقل	$RCFO_{jt} = (NIBD_{jt} - TAX_{jt} - INT_{jt} - CSDIV_{jt})/TA_{j,t-1}$ $RCFO_{jt}$: جریان وجوه نقد نسبی شرکت ز برای سال t. $NIBD_{jt}$: سود عملیاتی خالص قبل از استهلاک شرکت ز برای سال t. TAX_{jt}: مجموع مالیات شرکت ز برای سال t. INT_{jt}: هزینه بهره شرکت ز برای سال t. $CSDIV_{jt}$: سود سهام عادی تقسیمی شرکت ز برای سال t. در پایان به‌منظور استاندارد سازی، عدد جریان وجوه نقد نسبی بر میانگین دارایی‌ها تقسیم می‌شود. این متغیر یک شاخص (متغیر ساختگی) برای شرکت ز است؛ اگر $RCFO$ شرکتی بالاتر از میانگین نمونه باشد و قیمت به ارزش دفتری (PB) آن کمتر از میانگین در سال مالی t باشد؛ عدد یک به این متغیر اختصاص داده می‌شود؛ در غیر اینصورت این متغیر برای شرکت ز امتیاز ۰ را می‌گیرد.
	FCFLG		

(ادامه) نگاره شماره ۱: تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری

نام متغیر	عنوان اختصاری	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
شاخص اجتناب از عدم اطمینان	Unavoid		نمرات فرهنگی یک سازمان برای اجتناب از عدم اطمینان به دست آمده از هافستد و باند (۱۹۸۸)، برای سنجش فرهنگ سازمانی، از پرسشنامه فرهنگی هافستد استفاده می‌شود که روایی و پایایی این پرسشنامه پیش از این در پژوهش هافستد (۱۹۸۰) به تأیید رسیده است. این پرسشنامه بیست و پنج سؤالی براساس مقیاس لیکرت پنج بخشی است. در این پرسشنامه ۵ سؤال درباره مؤلفه اجتناب از عدم اطمینان، ۵ سؤال درخصوص مؤلفه جمع‌گرایی، ۹ سؤال درباره مردگرایی و ۶ سؤال درخصوص فاصله قدرت در نظر گرفته شده است. پس از امتیازبندی پاسخ‌های هر سؤال، برای هر شرکت امتیازهای هر سؤال با هم جمع و سپس بر تعداد پرسشنامه‌های آن شرکت تقسیم می‌شود. در این مطالعه با توجه به هدف تحقیق فقط از سوالات مربوط به اجتناب از عدم اطمینان استفاده شد. طبق پرسشنامه هافستد اگر میانگین بدست آمده بزرگتر از ۳ باشد؛ فرهنگ ابهام‌گریزی ضعیف، اگر کمتر از ۳ باشد؛ فرهنگ ابهام‌گریزی قوی و اگر عدد ۳ باشد؛ یک حالت متعادل فرهنگی وجود دارد. سوالات شامل موارد مطروحه زیر است: ۱- آیا در سازمان شما مهم است که ملزومات و دستورالعمل‌های شغلی تشریح گردد تا افراد همیشه بدانند چه انتظاری از آنان می‌رود. ۲- آیا در سازمان شما مدیران انتظار دارند که کارکنان به طور دقیق از دستورات و رویه‌ها پیروی کنند؟ ۳- آیا در سازمان شما، قوانین و مقررات دارای اهمیت هستند؛ زیرا آنها به کارکنان اطلاع می‌دهند که سازمان چه انتظاری از آنها دارد؟ ۴- آیا رویه‌های عملیاتی استاندارد برای کارکنان در هنگام کار مفید است. ۵- آیا دستورالعمل‌های عملیاتی در هنگام کار مفید است.
کیفیت حسابرسی	Audit Quality	کنترلی	متغیر مجازی (متغیرهای توضیحی کیفی) که به عنوان کیفیت حسابرسی می‌باشد. با توجه به تقسیم‌بندی ۲۵۶ مؤسسه حسابرسی در تارنمای جامعه حسابداران رسمی ایران (www.iacpa.ir) به ۴ دسته (الف، ب، ج، د). اگر حسابرس، سازمان حسابرسی و مؤسسه‌هایی که جزء دسته الف باشد؛ عدد ۱، اگر جزء دسته ب باشد ۰/۷۵، اگر جزء دسته ج باشد ۰/۵۰ و اگر جزء دسته (د) باشد عدد ۰/۲۵. این روش اندازه‌گیری مطابق با روش کرمشاهی (۱۳۹۶) می‌باشد.
اندازه شرکت	Fsize		لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام FSize _{it} : لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت t در انتهای سال t .
مجموع ارقام	AbsTAC		نسبت قدر مطلق مجموع ارقام تعهدی شرکت t برای سال t به مجموع دارایی‌های شرکت t برای سال $t-1$.
اهرم مالی	Leverage		نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت t برای سال t

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره شماره (۲) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار و ضریب چولگی است.

نگاره شماره ۲: آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
شاخص اجتناب از عدم اطمینان	۰/۸۶۹	۰/۸۸	۱	۰	۰/۱۳۳
اقدام تعهدی اختیاری	۰	-۰/۰۰۷	۰/۶۷۸	-۱/۰۲۳	۰/۱۸۹
جریان وجوه نقد نسبی	۰/۰۲۱	۰/۰۲۶	۰/۴۸۷	-۱/۱۴۲	۰/۱۹۳
مجازی جریان وجوه نقد نسبی	۰/۲۳۹	۰	۱	۰	۰/۴۳
کیفیت حسابرسی	۰/۸۹۶	۱	۱	۰/۵۰	۰/۱۹۶
اندازه شرکت	۲۷/۹۵۷	۲۷/۶۶	۲۳/۰۰۵	۲۶/۱۲	۱/۲۳۴
قدر مطلق مجموع اقدام تعهدی	۰/۱۲۸	۰/۰۷۸	۱/۰۴۸	۰/۰۰۳	۰/۱۶۵
اهرم مالی	۰/۶۵۶	۰/۶۱۷	۴/۰۰۳	۰/۱۵۶	۰/۴۶۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج ارائه شده در این نگاره شمایی کلی از وضعیت داده‌های تحقیق ارائه می‌کند. همانطور که مشاهده می‌شود؛ میانگین شاخص اجتناب از عدم اطمینان حدوداً ۰/۸۶۹ درصد که نشان می‌دهد؛ به طور متوسط بیش از ۸۶ درصد شرکت‌ها دارای دیدگاه اجتناب از عدم اطمینان قوی می‌باشند، میانه متغیر اقدام تعهدی اختیاری ۰/۰۰۷- می‌باشد که بیانگر آن است بیش از ۵۰ درصد شرکت‌ها دارای اقدام تعهدی اختیاری کمی بوده‌اند؛ سطح وجوه نقد آزاد و فرصت‌های رشد شرکت‌های نمونه نیز با توجه به مقادیر میانه و میانگین متغیر مجازی جریان وجوه نقد نسبی بسیار اندک است. علاوه بر این بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار نیز برابر با ۱/۲۳۴ و ۰/۱۳۳ بوده که مربوط به متغیرهای اندازه شرکت و شاخص اجتناب از عدم اطمینان است.

نتایج پیش آزمون آماری پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده قبل از پردازش آنها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شد. نتایج حاصله نشان از ناهمسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل به صورت رگرسیون مربعات تعمیم یافته به دست آمد، همچنین در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، با توجه به اینکه داده‌های پژوهش به صورت مقطعی مورد تخمین قرار گرفت، لذا آزمون اف لیمر و هاسمن انجام نگرفت، در ادامه با در نظر گرفتن نتایج پیش آزمون‌های آماری به تخمین مدل‌های اصلی پژوهش پرداخته می‌شود. علاوه بر این همانطور که در نگاره شماره (۳) مشاهده می‌شود، مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از $0/01$ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خود همبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله $1/5$ و $2/5$ قرار دارد، همچنین ضریب تعیین برای مدل برابر با $0/55$ است که نشان می‌دهد ۵۵ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

نگاره شماره ۳: نتایج مربوط به تخمین مدل پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معناداری
مجازی جریان وجوه نقد نسبی	FCFLG	$-0/098$	$-0/447$	$0/6559$
اجتناب از عدم اطمینان	UNAVOID	$-0/281$	$-1/159$	$0/2507$
اثر تعاملی مجازی جریان وجوه نقد نسبی و اجتناب از عدم اطمینان	FCFLG* UNAVOID	$0/228$	$0/858$	$0/3942$
کیفیت حسابرسی	AUDITQUALITY	$0/110$	$1/289$	$0/2019$
اثر تعاملی مجازی جریان وجوه نقد نسبی و کیفیت حسابرسی	FCFLG* AUDITQUALITY	$0/146$	$-1/144$	$0/2568$
اندازه شرکت	FSIZE	$-0/006$	$-0/575$	$0/5671$
قدر مطلق مجموع اقلام تعهدی	ABSTAC	$0/788$	$4/023$	$0/0002$
اهرم مالی	LEVERAGE	$-0/351$	$-4/278$	$0/0001$
جریان وجوه نقد نسبی	RCFO	$0/212$	$1/261$	$0/2119$
عرض از مبدأ	C	$0/646$	$1/409$	$0/1637$
آماره F			معناداری آماره F	
آزمون دوربین واتسون		$1/79$	ضریب تعیین تعدیل شده	
			$0/55$	

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که پیشتر عنوان شد؛ فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود می‌پردازد؛ با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل مذکور، که در نگاره شماره (۳) ارائه شده است؛ می‌توان ادعا نمود که در نمونه آماری مورد بررسی، مدیران شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم، به احتمال زیاد مدیریت سود را انتخاب نمی‌کنند؛ چرا که سطح معنی‌داری ضریب α_1 که نشان‌دهنده رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود بوده، معنی‌دار نمی‌باشد و لذا فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. علاوه بر این فرضیه شماره دوم به بررسی رابطه بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود می‌پردازد، با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل مذکور، که در نگاره شماره (۳) ارائه شده است، می‌توان ادعا نمود که در شرکت‌هایی که شاخص اجتناب از عدم اطمینان در آن‌ها بیشتر است؛ از مدیریت سود بیشتر استفاده نمی‌شود، زیرا سطح معنی‌داری ضریب α_2 که نشان‌دهنده رابطه بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود بوده، معنی‌دار نبوده و لذا فرضیه دوم پژوهش نیز رد می‌شود.

علاوه بر این فرضیه سوم پژوهش به بررسی تأثیر شاخص اجتناب از عدم اطمینان بر رابطه بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود می‌پردازد؛ با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل مذکور، که در نگاره شماره (۳) ارائه شده است، می‌توان ادعا نمود که امتیاز شاخص اجتناب از عدم اطمینان شرکت‌ها، رابطه بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود را در شرکت‌هایی با رشد اندک را تعدیل نمی‌نماید، زیرا ضریب α_1 که نشان‌دهنده رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود بوده، معنادار نیست و ضریب α_3 نیز فاقد معناداری است، در نتیجه فرضیه سوم پژوهش نیز رد می‌شود. از طرف دیگر فرضیه چهارم پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و کاهش فعالیت‌های مدیریت سود می‌پردازد، با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل مذکور، که در نگاره شماره (۳) ارائه شده است، می‌توان ادعا نمود که حساب‌رسان دارای کیفیت بالا، فعالیت‌های مدیریت سود را تغییر نمی‌دهند؛ زیرا سطح معنی‌داری ضریب α_4 که نشان‌دهنده رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود بوده، معنی‌دار نیست و در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش نیز رد می‌شود. در نهایت فرضیه پنجم پژوهش به بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم و مدیریت سود می‌پردازد، با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل مذکور، که در نگاره شماره (۳) ارائه شده است، می‌توان ادعا نمود که حساب‌رسان دارای کیفیت بالا، ارتباط بین جریان وجوه نقد آزاد در شرکت‌های کم رشد و مدیریت سود را تعدیل نمی‌کنند؛ زیرا ضریب

α_1 که نشان‌دهنده رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود بوده، معنادار نمی‌باشد و ضریب α_5 نیز معنادار نیست، در نتیجه فرضیه پنجم پژوهش نیز رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی تأثیر جنبه‌های رفتاری مانند فرهنگ و کیفیت حسابرسی بر تصمیم‌گیری مدیران در مورد انتخاب رویه‌های حسابداری است؛ در ادامه نتایج آزمون فرضیات به صورت تحلیلی ارائه می‌گردد.

نتایج ناشی از آزمون فرضیه اول حاکی از این است که در نمونه مورد بررسی مدیران شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد بسیار بالا با فرصت‌های رشد کم، مدیریت سود انجام نمی‌دهند. زیرا با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل، که فرضیه مذکور براساس آن مورد آزمون قرار گرفت، ضریب (α_1) که نشان‌دهنده رابطه بین جریان نقد آزاد و مدیریت سود می‌باشد؛ معنی‌دار نیست. نتایج کسب شده با نتیجه‌گیری تحقیقات پیشین ریچاردسون (۲۰۰۶)؛ وی و ژانگ (۲۰۰۸)؛ چالاک و محمدنژاد (۲۰۱۲)؛ چانگ و فرث و کیم (۲۰۰۵) و فتاحی نافچی و فاضل دهکردی (۱۳۹۷) و نیز ستایش و صیادی (۱۳۹۶) هم‌سو نمی‌باشد. در دلایل عدم مطابقت این نتایج می‌توان به سطح پایین جریان نقد آزاد و فرصت‌های رشد و نیز سطح اندک اقلام تعهدی اختیاری در نمونه انتخابی با توجه به آمار توصیفی اشاره نمود؛ همچنین این احتمال نیز وجود دارد که شرکت‌های یاد شده بیشتر از روش مدیریت سود واقعی در مقایسه با مدیریت سود اقلام تعهدی استفاده کرده باشند. علاوه بر این نتایج ناشی از آزمون فرضیه دوم حاکی از این است که بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود ندارد. زیرا با توجه به نتایج ناشی از برازش مدل، که فرضیه مذکور بر اساس آن مورد آزمون قرار گرفت، ضریب (α_2) که نشان‌دهنده رابطه بین شاخص اجتناب از عدم اطمینان و مدیریت سود است، معنادار نمی‌باشد. این نتایج با نتیجه‌گیری تحقیقات پیشین آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) و گوان، پورجاللی، سنگوپتا و ترویا (۲۰۰۵)؛ هان، کانگ و سالتر (۲۰۱۰) هم‌سو نمی‌باشد. با توجه به ارزیابی‌های پیشین شاخص عدم اجتناب در جامعه ایرانی و مطابقت نتایج این پژوهش مبنی بر اجتناب از عدم اطمینان شدید در نمونه مورد بررسی ممکن است؛ مهم‌ترین دلیل عدم مطابقت نتایج پژوهش با پژوهش‌های یاد شده در نحوه اندازه‌گیری متغیر مدیریت سود و نوع متفاوت مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی باشد. علاوه بر این، اغلب پژوهش‌های انجام شده در این حوزه مدیریت سود را در سطح کشورها بررسی نموده و رابطه بین مدیریت سود و شاخص اجتناب از عدم

اطمینان را بین کشورها مقایسه نموده‌اند؛ تفاوت سطح مورد بررسی در این مطالعه که به شرکت‌ها پرداخته است؛ و نیز نوع شرکت‌های انتخاب شده؛ ممکن است؛ یکی دیگر از دلایل عدم تطبیق نتایج این پژوهش با پژوهش‌های یاد شده باشد.

نتایج ناشی از آزمون فرضیه سوم حاکی از این است که امتیاز شاخص اجتناب از عدم اطمینان شرکت‌ها، رابطه بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود را در شرکت‌هایی با رشد اندک را تعدیل نمی‌کند، زیرا ضریب (α_1) که نشان‌دهنده رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود است، معنادار نمی‌باشد، همچنین ضریب (α_3) نیز معنادار نیست، یعنی شاخص اجتناب از عدم اطمینان شرکت‌ها، رابطه بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود را در شرکت‌هایی با رشد اندک را تعدیل نکرده است. نتایج گرفته شده با نتیجه‌گیری تحقیقات پیشین گری (۱۹۸۸)، آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) هم‌سو نمی‌باشد. همانند نتایج فرضیه دوم پژوهش، در دلایل عدم مطابقت می‌توان به توجه به نوع خاصی از مدیریت سود در این پژوهش (مدیریت سود از طریق اقالام تعهدی)، همچنین تفاوت سطح مورد بررسی این پژوهش با پژوهش‌های عنوان شده و نیز پایین بودن سطح جریان وجه نقد آزاد و فرصت‌های رشد و نیز اقالام تعهدی اختیاری در شرکت‌های مورد بررسی اشاره کرد. نتایج ناشی از آزمون فرضیه چهارم حاکی از این است که بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد؛ زیرا ضریب (α_4) که نشان‌دهنده رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود است، معنادار نمی‌باشد. نتایج کسب شده با نتیجه‌گیری تحقیقات پیشین راسمین، (۲۰۱۰)؛ راسمین و آستامی و هارتدی (۲۰۱۴)؛ آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) هم‌سو نمی‌باشد و با نتایج تحقیق محمدی گهرویی (۱۳۹۴) هم‌سو می‌باشد. احتمال دارد؛ شرکت‌های مورد بررسی از نوع متفاوتی از مدیریت سود استفاده نموده باشند؛ همچنین نحوه اندازه‌گیری متغیر کیفیت حسابرسی نیز می‌تواند؛ عامل ایجاد نتایج مغایر با پژوهش‌های دیگر باشد. البته همانطور که پیشتر عنوان شد؛ سطح پایین اقالام مورد بررسی نیز می‌تواند؛ عاملی باشد که به این نتایج متفاوت منتج شده باشد. نتایج ناشی از آزمون فرضیه پنجم حاکی از این است که حسابرسان دارای کیفیت بالا، ارتباط بین جریان وجوه نقد آزاد در شرکت‌های کم رشد و مدیریت سود را تعدیل نمی‌کنند؛ زیرا ضریب (α_1) که نشان‌دهنده رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود است، معنادار نبوده و ضریب (α_5) معنادار نیست، یعنی حسابرسان دارای کیفیت بالا، رابطه بین جریان وجوه نقد آزاد و مدیریت سود را در شرکت‌هایی با رشد اندک را تعدیل نکرده است. این نتایج با نتیجه‌گیری تحقیقات پیشین آستامی، راسمین، هارتدی و ایوانز (۲۰۱۷) و محمدی گهرویی (۱۳۹۴) هم‌سو نمی‌باشد. اما با نتایج تحقیق حبیبی و

متقی (۱۳۹۵) هم‌سو می‌باشد. مهمترین دلایل عدم مطابقت می‌تواند؛ پایین بودن سطح جریان نقدی آزاد، فرصت‌های رشد و اقلام تعهدی اختیاری بر طبق جدول آمار توصیفی در شرکت‌های مورد بررسی باشد که نشان می‌دهد در نمونه انتخابی سطح مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی بسیار اندک بوده است.

در اغلب کشورهای که در پژوهش‌های پیشین به ارتباط بین فرهنگ و موضوعات مختلف حسابداری پرداخته‌اند؛ داده‌های مرتبط با شاخص‌های فرهنگی از یک دیتا بیس که دائماً در حال بروز رسانی است؛ استخراج شده است؛ در کشور ما چنین پایگاهی وجود ندارد و عدم پاسخگوئی و همکاری شرکت‌ها موجب ایجاد محدودیت‌های فراوانی در انجام پژوهش‌های مرتبط با ابعاد مختلف فرهنگی شرکت‌هاست. لذا پیشنهاد می‌شود؛ پایگاه داده‌ای در این راستا ایجاد شده و مشوق‌هایی برای شرکت‌ها تعیین گردد تا در فراهم آوردن داده‌های این پایگاه اطلاعاتی همکاری کنند. همچنین در این پژوهش به یک بُعد از ابعاد فرهنگی هافستد پرداخته شد؛ پیشنهاد می‌شود؛ رابطه بین سایر ابعاد فرهنگی هافستد و مدیریت سود در پژوهش‌های آتی بررسی شود. به علاوه، با توجه به نتایج کسب شده؛ شایسته است؛ پژوهش‌گران آتی رابطه بین ابعاد فرهنگی و سایر جنبه‌های و اشکال مدیریت سود مانند هموارسازی و مدیریت سود واقعی را نیز به صورت جداگانه و همزمان بررسی نمایند. پیشنهاد می‌شود؛ اثر تعدیلی جریان نقد مازاد و فرصت رشد اندک در رابطه بین مدیریت سود و سایر جنبه‌های کیفیت حسابرسی مانند تخصص در صنعت و دوره تصدی بررسی شود.

منابع و مآخذ

- 1- Ahmad, A., & Ilyas, M. (2019). Does Audit Quality Improve Quality of Accounting Information in PAKISTAN'S Capital Market. *City University Research Journal*, 9(1), 206-219.
- 2-nAstami, E. W., Rusmin, R., Hartadi, B., & Evans, J. (2017). The role of audit quality and culture influence on earnings management in companies with excessive free cash flow: Evidence from the Asia-Pacific region. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- 3- Astami, E. W., & Tower, G. (2006). Accounting-policy choice and firm characteristics in the Asia Pacific region: An international empirical test of Costly Contracting Theory. *The international journal of accounting*, 41(1), 1-21.
- 4- Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of accounting and economics*, 29(1), 1-51.
- 5- Becker, C. L., DeFond, M. L., Jiambalvo, J., & Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary accounting research*, 15(1), 1-24.
- 6- Chalak, S. L., & Mohammadnezhad, S. (2012). Investigation of the relationship between earnings management and free cash flows in firms with high free cash flows and low growth listed in Tehran securities exchange. *World Applied Sciences Journal*, 20(3), 429-437.
- 7- Chen, H., Chen, J. Z., Lobo, G. J., & Wang, Y. (2011). Effects of audit quality on earnings management and cost of equity capital: Evidence from China. *Contemporary Accounting Research*, 28(3), 892-925.
- 8- Chung, R., Firth, M., & Kim, J. B. (2005). Earnings management, surplus free cash flow and external monitoring. *Journal of business research*, 58(6), 766-776.

- 9- Dimitras, A. I., Kyriakou, M. I., & Iatridis, G. (2015). Financial crisis, GDP variation and earnings management in Europe. ***Research in International Business and Finance***, 34, 338-354.
- 10- Douppnik, T. S. (2008). Influence of culture on earnings management: A note. *Abacus*, 44(3), 317-340.
- 11- Fan, J.P.H. and Wong, T.J. (2002), "Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia", ***Journal of Accounting and Economics***, Vol. 33 No. 3, pp. 401-425.
- 12- Fattahi Nafchi, H. و Fazel Dehkordi, A. (2018). Investigating the Impact of Audit Quality on earnings Management Based on Accruals and Real earnings Management of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Management Perspectives*. 1(2) pp. 68-82. **(In Persian)**
- 13- Fearnley, N. and Gray, S. (2015), "National institutional factors and IFRS implementation in Europe", ***International Journal of Accounting and Information Management***, Vol. 23 No. 3, pp. 271-288.
- 14- Farghandoust Haghighi, K., Hashemi, S.A., & Foroughi Dehkordi, A. (2014). Study of the relationship between earnings management and the possibility of fraud in the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Auditing knowledge*. Volume 14(56). 47-68. **(In Persian)**
- 15- Gray, S. J., Kang, T., Lin, Z., & Tang, Q. (2015). Earnings management in Europe post IFRS: Do cultural influences persist? *Management International Review*, 55(6), 827-856.
- 16- Guan, L., Pourjalali, H., Sengupta, P., & Teruya, J. (2005). Effect of Cultural Environment on Earnings Manipulation: A Five-Asia-Pacific Country Analysis. *Multinational Business Review*.
- 17- Habibi kia, M., & Mottaghi, A.A. (2016). The interactive effect of audit quality on the relationship between excessive free cash flow and earnings management .4th National Conference on Management, Economics and Accounting. **(In Persian)**

- 18- Han, S., Kang, T., Salter, S., & Yoo, Y. K. (2010). A cross-country study on the effects of national culture on earnings management. *Journal of International Business Studies*, 41(1), 123-141.
- 19- Hofstede, G., & Bond, M. H. (1988). The Confucius connection: From cultural roots to economic growth. *Organizational dynamics*, 16(4), 5-21.
- 20- Houqe, N., Ahmed, K., & van Zijl, T. (2015). Effects of audit quality on earnings quality and cost of equity capital: evidence
- 21- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76(2), 323-329.
- 22- Karamshahi, B., (2017). The Impact of Audit Quality on Agency Cost, Earnings Management and Conservatism in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Studies*.6(21). Spring 2017, pp. 86-101. *(In Persian)*
- 23- Karimi, K. Banimahd. B., Rahnamay-Roodposhti, F., (2014). A survey on Earnings Management and Machiavellianism in Iran. *J. Appl. Environ. Biol. Sci*, 4(9), 157-163. *(In Persian)*
- 24- Latifi, A., & Jahanshad, A. (2019). The Impact of Audit Quality and Accrual and Real Earnings Management on the Restatement of Financial Statements. *Accounting and Auditing Research*, 11 (44), 63- 90. *(In Persian)*
- 25- Marfou, M., & Hassanzadeh, R. (2017). Investigating the Impact of Management Ability on dividend Policy. *Empirical Accounting Research*, 7 (1), 103 129. *(In Persian)*
- 26- Mashayekhi, B., & Hosseinpour, A.H. (2016). Study of the Relationship between Real Earnings Management and Accrual Earnings Management in Companies Suspected of Fraud of Tehran Stock Exchange. *Journal of Experimental Financial Accounting Studies*, .12(49). pp., 29-52. *(In Persian)*
- 27- Meshki, M., & Nordideh, L. (2012) Investigating the effect of earnings management on earnings Persistence in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial accounting research* .4(1).105-118. *(In persian)*.

- 28- Mohammadi Gahravi, M., (2015). Investigating the relationship between excess free cash flow, audit quality and earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master Thesis. Islamic Azad University, Najafabad Branch.
- 29- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. Review of accounting studies, 11(2-3), 159-189.
- 30- Royaei, R.A., Rahnemaye roodposhti, F., & Abdooli, M.R. (2009). Investigating the Relationship between Culture and Representation Theory Based on Earnings Management Approach, *Journal of Cultural Management*, 3(1), 1-19. **(In Persian)**
- 31- Rusmin, R. (2010). Auditor quality and earnings management: Singaporean evidence. *Managerial Auditing Journal*.
- 32- Rusmin, R., Astami, E. W., & Hartadi, B. (2014). The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management. Asian review of accounting.
- 33- Setayesh, M.H., & Sayadi, L. (2017). Investigating the relationship between Excess free cash flows and earnings management with emphasis on the moderating role of audit quality. 9(1). 67-97. **(In Persian)**
- 34- Yasser, S., & Soliman, M. (2018). The effect of audit quality on earnings management in developing countries: The case of Egypt. *International Research Journal of Applied Finance*, 9(4), 216-231.
- 35- Sikka, P. (2008). Globalization and its discontents. Accounting, *Auditing & Accountability Journal*.
- 36- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). Positive accounting theory.
- 37- Wei, K. J., & Zhang, Y. (2008). Ownership structure, cash flow, and capital investment: Evidence from East Asian economies before the financial crisis. *Journal of Corporate Finance*, 14(2), 118-132.